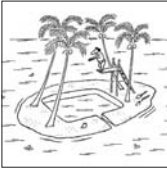




جای خالی پریسا و دایی‌اش-۴
سیدعلی میرفتاح

۱۶



بازخوانی آثار بوسک، طراح همیشه
صالح تسبیحی

۱۵



تاریخ بی‌خردی درقاب تصویر
حسن کریم‌زاده

۱۵



خوش‌شانس بودن یا نبودن؛ مساله این است
نارا ذکائی

۱۴



پایگاه اطلاع رسانی هنر و فرهنگ

به تماشای آثار گابریل اوروکو

همجوار با زندگی روزمره

گابریل اوروکو هنرمند مکزیکي در سال ۱۹۶۲ در وراکروز این کشور متولد شد، از ۱۹سالگی تا ۲۲سالگی در دانشگاه‌هایی از جمله دانشگاه هنرهای زیبای ملی و کالج هنرهای زیبای مادرید تحصیل کرد، با آغاز هزاره سوم، بسیاری از منتقدان هنری او را در میان تاثیرگذارترین هنرمندان مدرن قرن بیستم و حتی دهه آینده قرار داده‌اند. اوروکو مکزیکي که به همراه خانواده‌اش مدام در سفر است، این روزها بیشتر وقتش را بین شهرهای پاریس، نیویورک و مکزیکوسیتی در آمد و شد و الگوپرداری از حیات انسان‌ها پشت سر می‌گذارد. در خلال همین سفرها و تحت تاثیر همین مناظر است که اوروکو بسیاری از آثارش را خلق می‌کند. او از مناظر و اشیایی الهام می‌گیرد که اغلب انسان‌ها در طول روز با آنها برخورد می‌کنند، مخاطبان آثار این هنرمند مکزیکي را از حیات روزمره‌شان جدا نمی‌بینند و چنین است که اوروکو و آثارش حتی برای عادی‌ترین بیننده‌ها هم خاطره‌انگیز و قابل لمس می‌شود؛ ویژگی‌ای که بسیاری از مخاطبان عام را از طریق جهانی که اوروکو برایشان تصویر می‌کند، با هنر آشتی داده است. گذر اوروکو از جهان رسانه‌های مختلف هنری از ویدئوآرت و طراحی و تصویرسازی گرفته تا عکاسی و مجسمه‌سازی، به تخیل مخاطب اجازه می‌دهد گذری فراموش‌ناشدنی به جهان اشیای فراموش‌شده زندگی روزمره داشته باشد. آثار این هنرمند مکزیکي به تعاملی بدیع و دست‌نخورده میان اثر هنری و مخاطب دامن می‌زند و به این دلیل است که جریان‌سازی و تاثیرگذاری اوروکو در هنر معاصر غیرقابل انکار می‌نماید. تجربه‌ای که دیدن آثار اوروکو برای مخاطبان فراهم می‌آورد اگر منحصر به فرد نباشد، کم‌نظیر است. او به بیننده‌هایش اجازه می‌دهد بخشی از اثر شوند و خود را با آن چنان درگیر کنند که خط فاصل میان آنها و اثر به کلی محو شود. این دقیقاً اتفاقی است که برای بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس افتاد، آن هم درست زمانی که آنها می‌توانستند برای یک بازی چهارنفره تنیس روی میز، قدم در جهان انتزاعی و در عین حال آشنای اوروکو در اثری به نام «Ping Pond Table» بگذارند. در مرکز این اثر برکه‌ای از نیلوفرهای آبی وجود دارد که در چهار طرف با میزهای پینگ‌پنگی احاطه شده که به شکل یک برگ شبدر جهت‌گیری یافته‌اند. مثال‌هایی از این دست در میان آثار به نمایش درآمده از گابریل اوروکو بسیارند. پرتقال‌هایی که در پنجره‌های آپارتمانی چند خانه روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند یا جعبه کفش‌ی که روی زمین آپرتو قرار گرفته یا استفاده مکرر او از توپ فوتبال نشان از درگیری ذهنی هنرمند با حیات روزمره انسان و تصویر حک‌شده اشیای این حیات روزمره در خاطره او دارد. انگار بیش از آنکه فهم آبی و گذرای اثر از جانب بیننده برای او مهم باشد، اوروکو به تاثیری می‌اندیشد که دیدن آثارش از این پس بر دید هر بیننده خواهد گذاشت؛ تجربه‌ای فراموش‌نشده‌ی برای مخاطب با مواجهه با تمام چیزهایی که از نزدیک می‌شناسند. علاقه اوروکو به هندسه پیچیده و تقارن را می‌شود در بسیاری از آثار او دنبال کرد. مجموعه طرح و نقش‌دار انسان به نام «بیادک‌های سیاه»، منطق متحنی و پرپیچ و خم میز بیلارد بیضی و صفحه شطرنج طولیل‌شده در «دویدن بی‌پایان اسب‌ها» همگی نشان از دلدشغولی‌های روزمره هنرمند و درگیری‌اش با جهان پیرامون دارد. گابریل اوروکو مفاهیمی همچون بیکرانی را پیش رویش قرار می‌دهد و آنها را در لحظاتی انسانی و فروتنانه برمی‌انگیزد. آن هم در آثاری از قبیل تابلو عکس «توپ بازگشته»؛ عکسی که توپ فوتبالی را به تصویر درمی‌آورد که از ریخت افتاده و آب در آن جمع شده است. البته این اثر هم دلیلی دیگر بر استفاده اوروکو از مسائل روزمره جهان انسان‌هاست. او در کشوری به دنیا آمده که تب فوتبال همه‌گیر است. مکزیکي‌ها که فوتبال را مهم‌ترین ورزش ملی‌شان می‌دانند، تصور زندگی بدون توپ فوتبال برایشان سخت است و این موضوع در تعدادی از آثار گابریل اوروکو به خوبی مشخص است. با ترکیب کردن علاقه‌اش به فعالیت‌های سیاسی و بشردوستانه با شعر نهفته در رویارویی‌های زندگی انسانی، اوروکو عکس می‌گیرد، مجسمه می‌سازد و تصویرسازی می‌کند و در هر کدام از این رسانه‌های به ظاهر متفاوت الگویی برای زندگی تمام هنرمندانی می‌سازد که دغدغه زندگی در کنار مردم و کار برای مردم را در سر می‌پروراند. گابریل اوروکو مکزیکي را می‌شود در چند فیلم کوتاه و مستند هم دید که چگونه با وسواس تمام اثر هنری‌اش را می‌پروراند و تصحیح می‌کند و با توجه به ریزه کاری‌های جزئی بر تاثیرگذاری‌اش بر بیننده می‌افزاید. او در خلق آثارش، سنت و صنایع دستی کشورش مکزیک را هم با هنر مدرن می‌آمیزد و نتیجه‌اش می‌شود آثار سفالی‌اش که روح تاریخ و تمدن مکزیک را یک جا با مدرنیته حاکم بر جهان هنر امروز در خود دارد. او در سال ۲۰۰۲ در مستندی به نام خودش حاضر شد. این مستند را که خوان کارلوس مارتین ساخته در واقع درپچه‌ای است که بیننده‌ها می‌توانند از خلال آن با افکار اوروکو، رویکردش به مسائل روزمره جهان و هنر معاصر، تاثیر هنرمند بر شکل‌گیری فرهنگ عامه و مسائلی از این دست آشنا شوند و هنرمندان‌شان را در قاب لنز دوربین این کارگردان مکزیکي بهتر و از نزدیک ببینند و بشنوند. اوروکو در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی با مجموعه‌ای منحصربه‌فرد از آثارش به جهان هنر معاصر قدم گذاشت و خیلی زود به یکی از تاثیرگذارترین هنرمندان نسل خودش تبدیل شد. با شروع هزاره سوم گابریل اوروکو همچنان به حرکت خود ادامه داد. او راهش را گم نکرده. او از محدود شدن به یک رسانه به شدت پرهیز می‌کند و آزادانه از یک پروژه تا پروژه دیگر رسانه و مواد کارش را تغییر می‌دهد و مرزهای میان اشیاء، محیط و ابزار را درمی‌نورد. اوروکو ۴۸ساله استعدادش را برای خلق همزمان «هنر» و «واقعیت» صرف می‌کند و برایش فرقی ندارد مشغول نقاشی روی کارت پرواز هواپیماها باشد یا کار روی مواد مجسمه‌سازی در کارگاهش.

بسیاری از آثار اوروکو که معمولاً برای یک نمایشگاه یا عرضه در یک گالری خاص ساخته شده، راهشان را به مجموعه کلاسیک‌های باقیمانده از دهه ۱۹۹۰ گشوده‌اند. یکی از این نمونه‌ها خودرو «سیتروئن» است که به دوسوم اندازه واقعی‌اش کاشش یافته و اثر دیگر، مجسمه انسانی از جنس شبکه‌های گرافیتی است. این دو اثر ماندگار هنوز در گالری‌های نیویورک به نمایش عمومی درمی‌آیند و بسیاری از هنردوستان، منتقدان هنری و هنرمندان جوان را در صف‌های طولانی به موزه‌ها و گالری‌ها می‌کشاند. در نمایشگاه‌هایی از این دست معمولاً طیفی گسترده از تولیدات هنری اوروکو به نمایش در می‌آیند؛ آثاری از قبیل مجسمه‌های بزرگش تا طراحی‌های شتاب‌زدماش بر کاغذ. در واقع همین تنوع در آثار است که اوروکو را از محدودیت‌های کار با یک رسانه آزاد می‌کند و به او فرصت تجربه می‌بخشد. این هنرمند مکزیکي اخیراً در نقاشی‌هایش به خواص و ویژگی‌هایی ساختارها می‌پردازد و از نمادهایی استفاده می‌کند که به خاطر آشنا بودن از یک طرف کمک به خلق تصاویر و مفاهیمی بدیع می‌کند و از طرف دیگر بیننده را با خود همراه می‌کند. مثلاً در مجموعه‌ای از نقاشی‌هایش، اوروکو از دایره‌هایی نمادین به عنوان پلی میان مفاهیم پیچیده فلسفی و زندگی روزمره انسان تصویری می‌سازد که اصول هندسی حرکت در بازی شطرنج را در ذهن تداعی می‌کنند. او رنگ‌ها را چنان با هم درمی‌آمیزد که حس حرکت مهره‌های شطرنج هنگام قدم برداشتن مقابل این تابلوهای نقاشی به بیننده هم منتقل می‌شود. گابریل اوروکو در نمایشگاه‌ها و فستیوال‌های هنری بسیاری شرکت کرده و جوایز معتبر بسیاری به دست آورده است. آثار او در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ در دوسالانه ونیز و از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ در دوسالانه ویتنی به نمایش درآمده‌اند. بیش از ۲۰ بار نمایشگاه انفرادی در برترین گالری‌ها و موزه‌های هنرهای معاصر سراسر جهان برپا کرده و نامش برای همیشه در میان هنرمندان جریان‌ساز قرن بیستم ثبت شده است. اما هیچ کدام از این دستاوردها به اندازه تاثیرگذاری‌اش بر روح مخاطب برایش ارزشمند نیست. او هنرش را جدا از جامع‌اش نمی‌داند و برای حفظ این ارتباط در تکاپویی همیشگی است.

